

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن – المان

ملا پرستان

ای که میگوئی ، صدای مردم بیچاره ام
انعکاس ناله و ، فریاد هر آواره ام
محرم راز و انیس و مؤنس و غمخواره ام
داروی درد دل افسرده و ، صدپاره ام

نیستی و نیستی ، والله وبالله نیستی

خوب میدانی چه میگویم (شکیب) محترم
از غم و اندوه و از جور و جفا و از ستم
از چه و از که و هم کئی ، از کجا ای محتشم
لیک آگه نیستی از قهر و بیداد قلم

نیستی و نیستی ، والله وبالله نیستی

گر صدای مردمی ، بر حنجرم خنجر چرا ؟
پشتیبانی از ملاگک های ، اِستمگر چرا ؟
موتِر افشاگری ها را ، کنی پنجر چرا ؟
ظاهراً گوئی ، صدای مردم مُدبر چرا ؟

نیستی و نیستی ، والله وبالله نیستی

قامت سرو روان هموطن ، از چه خمید
ببر و گفتار و پلنگ و گرگ ، آهو را درید
ز غم ، وقتِ **عندلیب و بلبل ما را** ، خرید
حیف میگوئی که چوپانم به سروقتش رسید

نیستی و نیستی ، والله وبالله نیستی

منع شد شعر پلخمان سیاست ، بهر چه
گو زمن بر آن ملاگک این شراست ، بهر چه
چون نخوانده امر آمد از ریاست ، بهر چه
از تظاهر میدهی بر خود قداست ، بهر چه

نیستی و نیستی ، والله وبالله نیستی

گاه خوشحال و گهی هستم جگرخون شما
گاه ، یار و مؤنس و دلدار و مفتون شما
گاه مسکینی که ، هم مدیون و ممنون شما
ور تو گوئی ! بنده هم لیلی و مجنون شما

نیستی و نیستی ، والله وبالله نیستی

بعد ازین ، راه جدیدی را نمایم اختیار
خامه جولانگر طبعم همیشه بیقرار
زانکه نتوان کرد بر **ملا پرستان** اعتبار
این زمانه لایق اشعار ناب و آبدار

نیستی و نیستی ، والله وبالله نیستی

احتیاطی « نعمتا » از تندى. طبع. روان حکم. تکفیرت مبدا ، صادر از این ناکسان
زانکه از دین باز کرده هریکی برخود دکان چون موافق نیستی هرگز تو با نابخردان
نیستی و نیستی ، والله و بالله نیستی

(2008 /10/30)